

# ماجرای دختر گرین فیلد (کچه هه رمه نی) در مهاباد



ماجدرای دختر گلرین نیلد  
کجه صهرمه تی  
۱۷ مه آباد



ماجرای دختر گرین فیلد  
(کچه هه رمه نی) در مهاباد

تحقیق و تألیف از: محمد رضا داودی



ماجرای دختر گرین فیلد (کچه هه رمه نی در مهاباد)

نویسنده: محمدرضا داودی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

حروفچینی: پارسی ۶۵۶۸۲۳

چاپ و صحافی: جهان نما ۷۳۵۶۰۱

چاپ اول: ۱۳۷۱

## فهرست مطالب

- ۹ - مدخل
- ۱۳ - اوضاع سیاسی، اقتصادی مهاباد در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم
- ۳۱ - مبانی عقیدتی در تبیین واقعه رژی
- ۳۳ - ساو جبالغ در صحنه مذهب و فرهنگ آنزمان
- ۳۵ - آغاز ماجرا
- ۳۷ - حرکت نمایندگان سیاسی دولتهای ایران و انگلیس و عثمانی از تبریز بسوی مهاباد
- ۳۹ - زد و خورد قوای ایرانی با کردها در مهاباد
- ۴۱ - تشکیل دو مجلس استنطاق و پایان ماجرا
- ۴۳ - اهمیت سیاسی - تجاری مهاباد بروایات اسناد



## مدخل

در سالهای پس از انقلاب شیخ عبیدالله نهریه (۲۹۷ ه.ق.) ماجرای جالبی در ساو جبلاغ مگری (مهاباد کنونی) اتفاق افتاده ماجرای که حاکی از روح پرفتوح ملتی است که مصممانه در صدد است در راه تحقق عدالت اجتماعی مردانه جان ببازد، اما ذلت رذالت خائنان و حاکمان زمان را بر خود نپذیرد. داستانی که کردی و مردی و سلحشوری ملتی را به یاد می‌آورد که با حماسه آفرینی‌های خویش تاریخ بشریت را رقم زده و موجودیت خویش را در کوران ناملایمات تاریخ چون کوهی استوار قوام بخشیده است.

ماجرا از این قرار است که یکی از قنسولهای سابق انگلیس

موسوم به گرین فیلد Greenfield یا گرانفلید که سالها در کردستان تجارت می کرد با زنی از ارامنه ازدواج نموده و ثمره این ازدواج دختری شد، به نام کاتی Katty که چون به حد رشد رسید مسلمان شد و با جوان کردی موسوم به عزیز بیک ازدواج نمود. پس از چندی کاتی و عزیز بیک به خاک عثمانی فرار کردند. این موضوع بر دولت انگلیس گران آمد و از دولت عثمانی تقاضای استرداد دختر نومسلمان را نمود، دولت عثمانی از استرداد، دختر امتناع کرد اما آنها را به مهاباد عودت داد، دولت انگلیس این بار از دولت ایران تقاضای استرداد دختر را نمود، دولت ایران هم بدون چون و چرا به حاکم ساوجبلاغ تلگراف کرد که دختر را تسلیم مأموران انگلیسی نمایند. اما مردم مهاباد خود را در دین اسلام متعصب دانسته و به منظور دفاع از دختر و جوان کرد، نه تنها مسلح شده و دور شهیندر خانه عثمانی را حراست و نگاهداری کرده، بلکه عده ای را نیز که قصد تعرض داشتند به قتل می رسانند. دولت ایران به منظور مقابله اردوی بزرگی را با سوار و سرباز و توپ به ساوجبلاغ می فرستد، اما مردم مهاباد همچنان در دفاع از دختر و جوان هم وطن مصر بودند، سرانجام، نمایندگان سه دولت انگلیس و ایران و عثمانی و نیز اهالی در مهاباد گردهم آمده و پس از تشکیل دو مجلس استنطاق با حضور دختر گرانفلید، دولثلاثة در برابر اراده مردم تسلیم شده و دختر و پسر

جوان را به حال خود وا می گذارند.

\*\*\*

اما، باید دانست که داستان کچه هر مه‌نی داستان رومان‌تیک و عاشقانه یک دختر انگلیسی نیست که به نوکر و مباشر خود عشق می ورزد، بل ماجرای دختر گرانفلید، نمونه‌ای است از پیوند و تسلسل انقلابی که یک دهه قبل از این ماجرا، متأثر از نهضت جهانی تجدید حیات اسلام، در کردستان به وقوع پیوست (نهضت شیخ عبیدالله شمرینان - ۱۲۹۷ ه.ق.).

پس از ائتلاف بین‌المللی چهار دولت بزرگ روس و، انگلیس و ایران و عثمانی بر علیه نهضت شیخ غازی، و به انحراف کشیده شدن این نهضت، سیل تبلیغات تحقیرآمیز بیگانگان که بر علیه ملت ما آغاز شده بود همچنان تداوم یافت و عظمت داستان گرانفلید را باید در چهارچوب روندی جستجو نمود که در پی این سیل تبلیغات تحقیرآمیز، آگاهان نهضت بازگشت به خویش را که در یک ملت از تجدید اتصال با تاریخ آغاز می شود، از سالهای آغازین شکست نهضت شیخ عبیدالله پدید آوردند، و آن به همت مردمی بود که هنوز دلبستگی خود را به ارزشهای انقلاب کبیر شیخ غازی از دست نداده بودند.

بنابراین آنچه که بیش از همه در سالهای پس از انقلاب شیخ عبیدالله چهره می نمایاند، سیل خروشان و مواجی از روح و



ارزش‌ها و اندیشه‌های انسانی است که به اسلام، فرهنگی پرجنبش و خلاق و سرشار از زایش و حرکت و آفرینندگی می‌بخشد، اوج این امواج خروشان زمانی نمایان می‌گردد که دولت انگلیس تقاضای استرداد دختر گرانفیلد را از مقامات عثمانی و ایرانی می‌نماید، اما اهالی مهاباد به واسطه ملاحظات مذهبی از استرداد دختر نو مسلمان جلوگیری نموده و به منظور دفاع از حریم دینی خویش به مقام مبارزه مسلحانه با قوای ایرانی برمی‌خیزند.

\* \* \*

... و در کنار این مسائل جان کلام این است که به قولی «امروز ما در برابر جهان و زمانی ایستاده‌ایم که عوامل سنگین و سریع خودباختگی و دیگر شدن و مسخ ماهیت و نفی اصالت و گسستگی از تاریخ و از یاد بردن فرهنگ و قلب و ویژگیهای وجودی و کم شدن «شخصیت» ما بیش از همه وقت در تاریخ، ما را آماج خود دارند و اگر این عوامل خطر را نشناسیم و اگر برای مقاومت در برابر آنها به سرمایه‌های معنوی و آگاهی فکر و موارث غنی تاریخی و ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی خاص خویش مجهز نگردیم، خود را در برابر آنچه به نفی ما منجر می‌شود، بی‌دفاع‌ها کرده‌ایم.»

... و ذکر داستان «کچه نهر مهنی» تلاشی است در جهت پیوند این گسستگی تاریخی و حفظ مفاخر دینی و تاریخی ملت ما.

روشنفکران و متفکران و ادیبان و هنرمندان و نویسندگان کرد بوده است در تحقق کوششی مقدس برای پویایی فرهنگی یک ملت ارزیابی نمود.

وجود شخصیتهای ممتازی چون مفتی زهاوی و ملا عبدالله پیره باب در صحنه تاریخ اسلامی آن زمان و سخنوران نامی آن زمان چون حریق در آن دوره در، مهاباد گویای تداوم این سیر است. بنابراین طبیعی است که در شکوفائی خلق ارزشهای معنوی و ملکات اخلاقی مستعد شده در میان این مردم، اهالی مهاباد به منظور دفاع از دختر نو مسلمان ارمنی که دولت انگلیس نیز تغییر مذهب وی را شکستی برای تلقینات بی اساس و حقارتی برای میسیونرهای مذهبی خود می دید، در برابر تقاضای استرداد وی مردانه سلاح به دست گیرند و به واسطه ملاحظات دینی و مذهبی در برابر سه دولت انگلیس و ایران و عثمانی به مقام مدافعه برخیزند.

## آغاز ماجرا

شخص انگلیسی موسوم به گرانفلید از قنسولهای سابق انگلیسی سالها در کردستان و آذربایجان تجارت می کرد، ثروتی در کردستان بهم رسانیده و ده «سراور حیم خان» را خرید و ارباب آن ده شد. در همان حال از ارامنه زنی گرفت و از این زن دختری متولد شد. چند سال بعد گرانفلید جان به جان آفرین تسلیم کرد و املاک زیادی از خود برجای گذاشت. دختر به سن هفده سالگی رسید و شیفته جوانی کرد موسوم به عزیزبیک<sup>۱</sup> شد. سرانجام دختر ارمنی مسلمان شد و نام فاطمه را برای خود برگزید و با عزیزبیک ازدواج نمود. چون ماجرا به گوش انگلیسیها رسید، این موضوع بر آنها گران آمد، زیرا تا آن زمان میسیونرهای مذهبی

---

۱. این عزیزبیک پدر میرزا خلیل مباشر سیف القضاة عموی قاضی محمد است.

زیادی بمنظور تبلیغ مسیحیت به منطقه وارد شده بودند و ایمان آوردن دختر گرانفلید به اسلام شکستی ایدئولوژیکی را برای انگلیسی ها به همراه داشت. به همین سبب فاطمه خانم و عزیزبیک به خاک عثمانی فرار کردند، دولت انگلیس از طریق دیپلماسی از دولت عثمانی خواهش کرد تا دختر را از دست عزیزبیک بیرون آورده و به آنها تحویل دهند، عثمانیها از خوف اینکه طرف لعن و تکفیر علمای سنی واقع شوند اسبابی فراهم آوردند که آن دورا به ساوجبلاغ عودت دهند. این بار انگلیسی ها از دولت ایران خواهش کردند که دختر را بگیرند و به آنها تحویل دهند، دولت ایران هم بدون چون و چرا به حاکم ساوجبلاغ تلگراف کرد که دختر را تسلیم مأموران انگلیسی نمایند. جوان کرد و دختر انگلیسی دولت عثمانی را در دین اسلام متعصب دانسته و به شهبندر خانه عثمانی در ساوجبلاغ پناه می برند. در همان حال مردم ساوجبلاغ بر علیه دولت ایران مسلح شده و به کمک دختر مسلمان و جوان کرد می شتابند، دور شهبندر خانه عثمانی را حراست و نگاهداری نموده و چند نفری را که قصد تعرض داشتند به قتل می رسانند.

## حرکت نمایندگان سیاسی دولتهای ایران، انگلیس و عثمانی

از تبریز بسوی مهاباد

ششم ذی‌قعدة ۱۳۰۸ ه.ق.

بعد از پناه بردن دختر نومسلمان که خود را موسوم به فاطمه خانم نموده و عزیزبیک شوهرش، به شهبندری دولت عثمانی در ساوجبلاغ، حامیان آنها در ساوجبلاغ دفاع خود را از آنها قوت بخشیده و با حکومت ایران که در صدد مطالبه دختر بود بنای آشوب و تیراندازی گذاشتند، حکومت ایران هم بنابر مطالبه دولت انگلیس بیرون آوردن دختر را از شهبندری عثمانی لازم می‌دانست، تفضیل ماجرا را به امیر نظام در تبریز نوشتند امیر نظام

هم علینقی خان سرتیپ را که از معتمدین بود در معیت مستر پیتترین نایب قنصل انگلیس و بهجت افندی قنصل ژنرال عثمانی برای استرداد دختر از شهبندری، در ششم ذی‌قعدة از تبریز به ساوجبلاغ فرستاد. اما کردها همچنان در دفاع از دختر نومسلمان مصر بودند و مطلقاً به تقاضای بهجت افندی و شهبندر گوش ندادند بلکه بهجت افندی را نیز تهدید به قتل نمودند و طومای افندی شهبندر را، می‌خواستند در همان شهبندر خانه بکشند که مشارالیه به زحمت خود را به بیرون خانه حکومت رساند و جان بدر برد. افندی هم رنجیده خاطر به منزل علینقی خان سرتیپ آمد.



دومجلس استنطاق و پایان ماه

۱۳۰۸ خرداد را مقبول به شد

## زدو خورد قوای ایرانی با کردها در مهاباد در پانزدهم ذیحجه

۱۳۰۸ ه.ق.

سرانجام پس از گفتگوی سفارت کبرای دولت عثمانی و دربار دولت ایران و مذاکره در لندن و اسلامبول، دولت ایران به منظور اظهار ارادت به دولت انگلیس امیر نظام را مأمور نمود تا شاهزاده نصرت الدوله را با سوار و سرباز و توپ به ساوجبلاغ گسیل دارد تا به قوه قهریه دختر را باز ستانند، نصرت الدوله که از کناره گیری مردم مهاباد نسبت به دختر نو مسلمان مأیوس شده بود، در روز پانزدهم ذیحجه حکم به استعمال اسلحه آتش خانه داد.

## تشکیل دو مجلس استنطاق و پایان ماجرا

در این میان چون دول ثلاثه خود را مقهور یافتند. به اهتمام مردم مهاباد دو مجلس استنطاق به جهت دختر گرانفیلد که به ایرک بیک موسوم شده بود، فراهم گردید بنا به نوشته اعتماد السلطنه<sup>۱</sup> مترجم حضور همایون ناصرالدین شاه؟ و رئیس دارالترجمه مخصوص و وزیر انطباعات، موسیو پیتترین نایب قنصل ژنرال انگلیس و بهجت افندی و نصرت الدوله و مترجمین طرفین دختر و مادرش را به مجلس می آورند. اول از مادر دختر می پرسد که این دختر دختر تو است؟ مادر دختر می گوید بلی. بعد موسیو پتترین نایب قنصل انگلیس از دختر می پرسند که تو به میل خاطر مسلمان شدی و عزیز بیک را بشوهری خود قبول نمودی یا اینکه او تو را فریب داد؟

---

۱. روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه



دختر می گوید من به عزیز عاشق شدم و به رضای خود  
مسلمان شدم و به او شوهر نمودم. بعد از آنکه دیگر برای مأمورین  
دولت ثلاثه شبهه باقی نمی ماند در عاشق شدن دختر و به رضای  
خود مسلمان شدن و شوهر کردن، دختر را تسلیم عزیزبیک  
شوهرش نمودند.

و این در حالی بود که دکتر فورویه طبیب مخصوص  
ناصرالدین شاه در رپورت خود به تاریخ ۲۳ ذی القعدة ۱۳۰۸  
می نویسد:

«کاتی (کچه هه رفته نی) از ترس آنکه به او زیاد آزار نرسانند.  
قبول اسلام کرد!»

## اهمیت سیاسی - تجاری ساوجبلاغ (مهاباد) به روایات اسناد

... دادوستد ساوجبلاغ در دست کردان و یهودیان آست و چند نفر هم از تبریز برای انجام این قبیل کارها آمده‌اند. عده‌ای نیز موصلی، عرب، کلدانی و ژاکوبیت درین شهر به تجارت و کسب و کار مشغولند. ژاکوبیت‌ها (Jacobites) از طریق گذرگاه رواندوز، پارچه‌های پشمی و ابریشمی بافت سوریه وارد می‌کنند. خریدهای دیگر را تبریز و همدان، علی‌الخصوص از اردبیل فراهم می‌شود. جنگل بزرگی که کوهستان میان بانه و سردشت را پوشانده، کالاهای صادراتی تجارتخانه‌های محلی از قبیل صمغ و مازورا - که از طریق آستارا به روسیه صادر می‌گردد - همچنین بعضی از مواد رنگرزی را که در بازار صنعت تبریز و

همدان مصرف می شود.

تأمین می کند!

۱. ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ نوشته اوزن اوین وابسته سیاسی دولت فرانسه در تهران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷



محمد حسین خان حاکم مهاباد در زمان واقعه «کچه هه ر مه نی»  
(تاریخ فرهنگ و ادب مکریان)



از راست به چپ: میرزا محمد خلیل از تجار مشهور مهابادی در مسکو، به اتفاق مرحوم قاضی محمد در زمانیکه بروایتی اولین رئیس معارف ساوجبلاغ (مهاباد) بودند.



عده‌ای از رجال و تجار مشهور مهاباد، قبل از جنگ جهانی اول از  
راست به چپ، میرزا اخلیل بلوری، حاج حسن بابانزاده (والای  
شهبندر خانة عثمانی)، میرزا مصطفی، میرزا رحمان کریمی،  
سید جامی جعفری.

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or deed. The text is arranged in several columns, with a large central block and smaller sections at the top and bottom. The script is dense and characteristic of historical Persian manuscripts. There are several circular stamps or seals scattered throughout the document, some of which contain text or symbols. The document appears to be a record of a transaction or a legal agreement, given the nature of the text and the presence of seals.

سندی دال بر واگذاری عمارت شاهبندر خانه به وارثین در مهاباد



مرحوم عبدالقادر اف مشهور به میرزا حاجی، ایشان فرزند حاج عبدالغفور قادری از رجال علمی و وراسته عصر خویش و از تجار مشهور مهاباد در مسکو و استانبول بوده است.





از راست به چپ. آقایان، ابراهیم هناره، محمد امین حاتمی  
مشهور به چیچو و احمد الهی از تجار مشهور مهاباد در موصل و  
بغداد و وزیر اقتصاد دولت قاضی محمد

KICHA

HARMANI

Narrated by: M. R. DAVOODI



# KICHA HARMANI

Narrated by: M.R. DAVOODI

قیمت ۴۵ تومان